



مستند «هیئت تعطیل نیست» از تلویزیون پخش می‌شود

مستند «هیئت تعطیل نیست» یکی دیگر از آثار گروه مستند روایت فتح با محوریت مبارزه با کرونا به کارگردانی مجتبی طاهری است که پنجشنبه دوم مرداد ساعت ۱۷ دقیقه از شبکه یک سیما پخش می‌شود. مجتبی طاهری کارگردان مستند «هیئت تعطیل نیست» گفت: می‌گویند تجمع ممنوع، مراسم ممنوع،

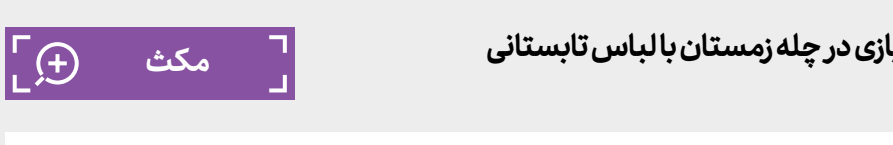


عکس: جاش همایوندی

خط« نیست

ی‌های این سریال و احتمال ادامه آن می‌گویند

فر خط را علیرضا مسعودی، معروف به **علی ده** است که پیش از این تجربه‌های موفقی در به‌جا به‌خاطر اجرای استندآپ کمدی‌هایش در مشکلات جوانان مثل بیکاری گذاشته و کنار انتقاد به فضای مجازی و شاخ‌های آن ازجمله



داریوش سلیمی، بازیگر درباره علاقه‌مندی مردم به حرفه بازیگری می‌گوید: ۹۹ درصد مردم علاقه‌مند به بازیگری و شهرت هستند، اما نمی‌دانند این مسیر چقدر هم دشوار است. من که اینجا نشستم، پوست انداخت‌ام تا به این نقطه رسیدم. به یاد دارم برخی از صحنه‌های این سریال را ما در چله زمستان ضبط می‌کردیم اما باید لباس تابستانی می‌پوشیدیم، چون برخی صحنه‌ها از قبل گرفته شده بود. نکته جالب این بود که باید در حیاط می‌نشستم و در سرما هندوانه می‌خوردیم. دندان‌هایم به هم می‌خورد و قندیل می‌بستم، اما هر چقدر تکرار صحنه می‌شد، بی‌آن‌که خم به ابرو بیاورم، انجام می‌دادم. پس نباید بگویم که چرا امثال صیوری‌ها، نوید محمدزاده‌ها و... آمده‌اند. علی صیوری پیشینه تئاتری دارد و این طور نبوده که از کوچه و خیابان پیدایش شود.

پرزنگ‌تر می‌شد و شخصیت‌هایی که خیلی تأثیری در قصه نداشتند مثل خانم‌های باردار قصه، حنف می‌شدند؟
مسعودی: قصه آخر خط درباره دو پسرخاله است و اگر قرار بود نقش‌های مکمل مثل عمه قصه پرزنگ‌تر می‌شد، این‌قدر خوب در نمی‌آمد و از کار بیرون زده می‌شد و قصه دو پسرخاله را هم تحت‌الشعاع قرار می‌داد. برای جذاب‌تر کردن قصه، نقش‌های مکمل اضافه کرده‌ام. از سوی دیگر ما مشکلات زیادی برای تولید سریال داشتیم. ۴۵ روز کار کردیم، دو ماه و نیم تعطیل شدیم. بعد از آن دوباره کار راه افتاد، اما هشت ماه تعطیل بودیم.

مشکلات تولید به خاطر چه بود؟

مسعودی: ضعف در تهیه‌کنندگی داشتیم. تا این‌که آقای مهام

در نهایت به کار ملحق شدند و جمع کردند. اما تهیه‌کننده اول، هشت ماه از عمر زندگی‌ام را به من بدشکار هست. وقتی بخش‌های ایران تمام شد و به بخش‌های سوریه رسیدیم، کار خوابید تا تهیه‌کننده این بخش را هماهنگ کند اما آقای شهیدی فقط امروز و فردا کرد و همین عملکرد ضعیفش باعث شد که هشت ماه معطل او شویم. هشت ماه عمری است. همه

می‌دانند من واقعا مهربان هستم و اگر مشکلی با کسی داشته باشم، خیلی زود برطرف می‌شود، اما هرگز از او نمی‌گذرم که من را هشت ماه در بلاتکلیفی قرار داد و بهترین روزهای عمرم تلف شد. چون معطل این کار بودم نمی‌توانستم کار دیگری را شروع کنم، حتی چند بار به آقای شهیدی گفتم که اگر نمی‌تواند کارش را انجام بدهد، بهتر است من ورود کنم، اما نمی‌گذاشت. تا این‌که آقای مهام به عنوان تهیه‌کننده به گروه ملحق شد و همان روز اول به من گفت با هم ی‌ای بگوییم و کار را جمع کنیم و با چند تماس راهی مشهد شدیم تا بخش‌های جنگی را ضبط کنیم. فرمانده لشکر فاطمیون امکانات خوبی در اختیارمان گذاشت. سردار جان نثار همان روز اول به ما دو موتور و یک ماشین جنگی داد. سپاه امام رضا (ع) و سردار رضوی هم بسیار کمک کرد و ما این بخش را طی ۱۱ روز جمع کردیم. در حالی‌که آقای شهیدی ما را هشت ماه معطل کرد. خیلی‌ها به من گفتند که پول زیادی به خاطر این سریال گرفته‌ام. در حالی‌که هنوز بخش اعظم پولم را نگرفته‌ام و دو سال از جیب خوردم. اگر هم الان بخواهم پولم را

عزاداری و برگزاری جشن شادی ممنوع! اما هیئت تعطیل نیست! از خودگذشتگی جهادگران امروز و بچه هیئتی‌های قدیمی که در هیئت‌ها یاد گرفتند از هر شرایطی مسیری برای خدمت به خلق خدا پیدا کنند ما را به ساخت این مستند جذب کرد برای اثب ایسن فداکاری‌ها. مجتبی طاهری در ادامه بیان کرد: جوانان و خادمان می‌کنیم. تقریبا در همه کارهایی که من نوشتم بوده است. از سال ۷۹ دارد تئاتر خیابانی کار می‌کند. عباس یادش هست اولین بار که او را دیدم گفتم تو بازیگری هستی که به حق خودت نرسیدی. عباس در طنز بی‌نظیر است. علی هم که خودش را اثبات کرد.

ایشان همیشه نقش‌های مکمل داشتند و بعد از این همه سال در آخر خط نقش محوری دارند. چطور این ریسک را کردید؟

مسعودی: ریسک نکردم، چون عباس بازیگر است. من با همه بازیگرانم مثل عباس و داریوش زندگی کردم و توانایی‌هایشان را می‌دانم. من قول می‌دهم عباس هم در این یکی دو ساله یکی از سوپرستارهای کمدی سینمای ایران می‌شود البته اگر کارگردان‌ها هوشش را داشته باشند و از عباس استفاده کنند.

سلیمی: عباس جایزه بهترین بازیگر را دارد؛ یعنی هیچ کدام از این عزیزان از سر راه نیامدند.

آقای جمشیدی‌فر چرا در این سال‌ها این قدر دیده نشده‌ید و این اتفاق در آخر خط افتاد؟

جمشیدی‌فر: بحث دیده نشدن، حرف غلطی است. در سریال سه دوتگ سه دوتگ هم من نقش یکی از پسرهای خانواده را داشتم. آن سریال در زمان خود بهترین سریال رمضان ۹۰ شد. علی مسعودی از آن موقع دینی به گردن من دارد. در سه دوتگ سه دوتگ نه تنها من بلکه بسیاری از بچه‌ها دیده شدند. این‌که چرا بعد از آن اتفاقی که باید بیفتد نیفتاد، یک بخش‌اش شخصی است که دوست ندارم درباره‌اش صحبت کنم و بخشی از آن هم به انتخاب‌های غلطم برمی‌گردد.

دلیل این انتخاب‌های غلط چه بود؟

جمشیدی‌فر: آن زمان حساسیت الان را نداشتم که دوست ندارم به دل‌ایلش ورود پیدا کنم. حدود پنج شش سال نشد کارهایی که دلم می‌خواهد را بکنم و در واقع کارهایی کردم که دیگران دل‌شان می‌خواست. یعنی برعکس شد. علی‌رغم آن‌که خیلی از دوستان از جمله علی مشهدی با من صحبت می‌کردند، ولی در گوشم نمی‌رفت. ولی خدا را شکر الان این اتفاق افتاد.

در این سریال شما و آقای صیوری یک زوج جدید کم‌ی شدید.

مثل بسیاری از زوج‌ها، آینده‌ای برای این زوج کم‌ی متصور هستید؟

جمشیدی‌فر: راستش روز اولی که علی صیوری را دیدم، اصلا نمی‌شناختم چون اهل اینستاگرام نبودم. فقط می‌دانستم در خندوانه نفر اول استندآپ کمدی شده است. آن زمان مثل بسیاری از آدم‌ها که الان دارند درباره او قضاوت نادرست می‌کنند من هم قضاوت صحیحی نداشتم. جلسه دوم سوم تصویربرداری بود که متوجه شدم کم‌دی را خیلی خوب می‌شناسد. بی‌انصافی است که بگویم چرا صیوری باید حضور داشته باشد؟ علی بداهه‌پرداز خوبی است و در بدنه‌بستان‌ها همراهی می‌آید.

شما هم با او همراه می‌شدید؟

جمشیدی‌فر: جاده خاکی هم بروی، علی با تو همراه می‌شود.

مسعودی: بگذارید یک مثال بزنم. وقتی پژمان جمشیدی، سریال پژمان را بازی کرد همه گفتند چرا او به این عرصه آمده است؟ اما او خودش را ثابت کرد.

جمشیدی‌فر: من الان با پژمان سر کاری هستم و به او گفتم حلالم کند.

مسعودی: پژمان آن قدر تلاش کرد، تئاتر بازی کرد... و تا به هدفش برسد. به حرف ناامیدکننده آدم‌ها توجهی نداشت و الان یک سوپرستار شده است. نمی‌خواهم از خودم تعریف کنم، اما جزو کسانی بودم که بارها به او زنگ زدم و سر سریال زیرخاکی هم تماس گرفتم و گفتم دمت گرم بازیگر خیلی خوبی هستی. معتقدم هیچ‌کس جای هیچ‌کس را نمی‌گیرد. آن بالایی وقتی

بخواهد من بنده هیچ‌کار هستم. واقعا تشکر می‌کنم از همه کسانی که باعث شدند این سریال به پخش برسد. می‌گویند مدعی خواست که از بیخ کند ریشه ما. غافل از آن‌که خدا هست در اندیشه ما. مثلا در مورد خود سریال خیلی‌ها خواستند پخش نشود و تلاش‌شان را هم کردند. اما آن بالایی وقتی بخواهد راه‌هایی را سراهت قرار می‌دهد تا کارت راه بیفتد. باید در این زمینه از علی فروغی، مدیر شبکه سه تشکر کنم که واقعا پای کار من ایستاد. شاید دیگر با شبکه سه کار نکنم، پاچه‌خوار نیستم ولی وظیفه خودم می‌دانم اینها را بگویم. همچنین از مهدی آذریندار، آقای کریمان، دکتر نجارزاده و مهران مهام متونم. به طور کلی می‌توان گفت خدا برای پژمان جمشیدی، علی صیوری، فاطمه امینی، داریوش سلیمی، عباس جمشیدی‌فر و علی مشهدی خواست و امروز در اینجا هستیم. به من می‌گویند چه احساسی دارید که فرصت کارگردانی در اختیار شما قرار گرفته است، من هم گفتم این فرصت باید ۲۰ سال قبل در اختیار من قرار می‌گرفت. آن زمان خیلی توانایی‌ام بیشتر بود. همین الان هم می‌گویم تلویزیون باید روی جوان‌ها سرمایه‌گذاری کند. من علی مشهدی ۴۸ ساله هستم. یک جوان که فارغ‌التحصیل این رشته است و دانش به روزی دارد را بیاورند تا از آیتم‌سازی شروع کند، مگر رضا عطاران و مجید صالحی از کجا شروع کردند؟

نقد اجتماعی نه شخصی

جمشیدی‌فر، درباره جنس نقد در آثار علی مسعودی بیان کرد: به نظر من یکی از خوبی‌هایی که علی مسعودی دارد این است که نقدی به افراد خاصی در اجتماع وارد نمی‌کند. بر خلاف بسیاری از کم‌دین‌ها به هیچ شغلی بند نمی‌کند. نوع نوشتن‌اش فرق می‌کند. نگاه اجتماعی دارد و درباره مشکلاتی که در جامعه وجود دارد نقد می‌کند. در همین سریال اوایل ماسازورها ناراحت شده بودند، من با آنها صحبت کردم و گفتم چرا نمی‌گویید آخر خط ماسازوری را معرفی می‌کند. چرا دقت نمی‌کنید علی مسعودی دارد آدم‌هایی با فکر قدیمی که ماسازورهای متخصص رادلک می‌خوانند، نقد می‌کند. این نوع نوشتن علی در سریال سه در چهار که زمان خودش پربیننده بود، هم دیده می‌شود. نگاهش به اجتماع است، نه به فرد خاصی.

حسینیه کربلاکه از نخستین روزهای شیوع ویروس کرونا با تشکیل گروه جهادی در خط مقدم جهاد علیه این ویروس منحوس در منطقه خود بوده‌اند، این روزها در ادامه این جهاد مقدس باز هم در حال تلاش هستند و در ساخت این مستند

بسیار با ما همکاری کردند.

چهره‌های جوان و با استعداد در تلویزیون معرفی شوند

علی مسعودی، نویسنده و کارگردان سریال آخر خط، در پاسخ به این سوال که اگر الان کارگردانی، یک نقش خیلی خاص و تک

به شما پیشنهاد شود، حاضر هستید بازیگر جوانی را به جای خودتان معرفی کنید و از یک دستمزد بالا عبور کنید؟ می‌گوید: شاید باورتان نشود، اما خودم سریالی نوشتم و از ابتدا برای نقش به خودم فکر کردم. اما یک روز با یکی از دوستان بازیگر داشتم حرف می‌زدم که احساس کردم او برای ایفای نقش بهتر از من است، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم. در سریال آخر خط هم تلاش کردم سراغ بازیگرانی بروم که تئاتری هستند و کمتر جلو دوربین رفته باشند. چون وظیفه ما، معرفی چهره‌های جوان و بااستعداد به تلویزیون است.

وی در ادامه درباره این‌که آیا انتخاب چهره‌هایی که مشهور نیستند، برای کارگردان همراه با ریسک نخواهد بود؟ توضیح می‌دهد: به نظرم ریسک نیست. اگر فیلمنامه قوی باشد، ریسک نکرده‌ایم. معضل فیلمنامه است. تمام بازیگرانی که مطرح شدند به واسطه فیلمنامه‌های خوب بوده که به شهرت رسیدند. برایتان مثال می‌زنم. در سریال زیر آسمان شهر یک متن قوی بود و همه بازیگران دیده شدند، اما متن زیر آسمان شهر ۳ ضعیف بود، حتی حضور اکبر عبدی، زنده‌یاد رضا ژیان، حسن پورشیرازی و رامین پرچمی که در آن مقطع، جزو جوانان چهره در عرصه بازیگری بود، نتوانستند باعث رونق فصل سوم سریال شوند.

تلویزیون باید به جوان‌ها بها دهد. آنها توقعی هم ندارند و درخواست دستمزد ۸ میلیون هم ندارند. آن جوان ۲۷ - ۲۶ ساله ده سال دیگر می‌شود اصغر قهره‌ادی.

برگردیم به آخر خط. دو شخصیت اصلی این سریال آدم‌های بی‌سوادی نیستند، اما گاه تصمیم‌هایی می‌گیرند که متعلق به آدمی با بهره‌هوشی پایین است.

مسعودی: مثلا؟

صیوری: مثلا همین تصمیم سوریه رفتن به نیت مهاجرت بعد از آن.

مسعودی: خیلی منطقی است.

صیوری: شجاعانه هم هست.

مسعودی: شجاعانه شان شجاعانه باشد، اما عاقلانه نیست.

مسعودی: بله عاقلانه نیست، ولی رفیق من که نمی‌خواهم اسمش را ببرم لیسانس و قهرمان ورزشی بود، به سوریه رفت و مدتی آنجا دستفروشی کرد تا بتواند به کانادا برود. تمام قصه‌هایم الهام‌گرفته از ماجراهایی است که در دوروبرم شنیدم. این راه به ذهن این دو شخصیت می‌رسد، چون راه دیگری پیدا نمی‌کنند. من خیلی به مسائل اجتماعی نقد دارم و در همین سریال مسائلی بیان می‌شود که نقادانه است. جوان ۲۷ ساله ما که فوق‌لیسانس الکترونیک دارد چرا باید ماسازنده شده باشد؟ چرا جوانی که مدیریت خوانده باید بیکار باشد؟

آقای جمشیدی‌فر شما به سوال قبلی‌مان درباره زوج هنری شدن با علی صیوری پاسخ ندادید. فکری می‌کنید کنار هم/این مسیر را ادامه خواهید داد؟

جمشیدی‌فر: قطعا این اتفاق می‌افتد. فقط در تلویزیون ما نیست، بلکه در تمام دنیا کسانی مثل ادم سندلرو بن استیلر هستند.

صیوری: من عاشق عباسم (می‌خندد) این تیم ان‌شاء... در سری‌های بعدی سریال تکرار خواهد شد، چون علی‌آقا قول داده است ادامه‌اش را بسازد. در سریال‌های دیگر دوست دارم کنار همدیگر باشیم، ولی این تپه‌ی که داریم قشنگ‌تر است در همین سریال باشد نه جای دیگر.

جمشیدی‌فر: ممکن است در کار دیگر قذعلی را کوتاه کنیم و قد من را بلندتر (می‌خندد)

از صحنه‌هایی که بازخورد زیادی در فضای مجازی داشت و بسیاری فکری می‌کردند شاید در آن از خط قرمزها گذشتید. آنجایی بود که لباس زنانه پوشیدید. آقای مسعودی در این مورد واقعا خط قرمزی وجود دارد؟

مسعودی: نقد است دیگر و اگر ما نتوانیم اینها را نشان دهیم، پس که می‌خواهد بگوید؟ این ربطی به خط قرمزها ندارد. این یک واقعیت در جامعه است و باید آن را نشان می‌دادیم. **جمشیدی‌فر:** هر فضا خط قرمزی دارد که ما آنها را می‌دانیم، اما گاهی خودمان بیشتر به آن دامن می‌زنیم. در واقع خودسانسوری می‌کنیم.

پس بخشی از این خط قرمزها ذهنی است.

جمشیدی‌فر: بیشترش ذهنی است. عین کرونا که همه

فکر می‌کنند می‌گیرند و واقعا هم می‌گیرند!

خانم امینی کودکان سال‌هاست شما را با شخصیتی که کنار مل‌مل دارید و به عنوان مجری می‌شناسند. به نظر می‌رسد بازیگری در چنین سریال‌هایی به باورپذیری کارتان برای بچه‌ها خدشه وارد می‌کند.
امینی: من تقریبا هشت سال شخصیت کلی، یک دختر هشت ساله را بازی کردم تا این‌که یک شخصیت دیگر به اسم ننه نقلی وارد برنامه شد.

پس بچه‌ها متوجه می‌شوند که من دارم این شخصیت‌ها را بازی می‌کنم. شبکه خیلی تاکید داشت که من هیچ کار دیگری به جز برنامه کودک انجام ندهم سر بازی

کردن این سریال همین توضیحات را دادم و پذیرفتند بازی کنم. به نظرم بچه‌ها هم پذیرفتند فاطمه امینی بازیگر است و فقط مجری نیست. هیچ‌وقت خودم را مجری ندیدم. از مدیرم، آقای سرشار تشکر می‌کنم. می‌دانم قلبا دوست ندارند من جای دیگر کار کنم، اما دوست دارم خواهش خواهانه من را بشنوند و بگذارند همان‌گونه که با کار کودک عشق می‌کنم، در سینمایی‌ها و سریال‌های خوب هم حضور داشته باشم. خانه اول من آنجاست ولی لطفا اجازه بدهند که مهمانی هم بروم.

خودتان را مجری نمی‌دانید، ولی به عنوان مجری برتر در جشنواره جام‌جم شناخته شدید.

امینی: این لطف خداوند بود، ولی من مجری - بازیگر هستم. به نظرم چاشنی‌های بازیگری، بدن، بیان و... به مجری کمک می‌کند تا بهتر بتواند خود را نشان دهد.

پس از ابتدا دغدغه‌تان بازیگر شدن بوده، نه مجری‌گری.

امینی: بله. در تلویزیون هم سمتی که برای من وجود دارد، مجری - بازیگر است.

الان با آخر خط تغییری در مسیر کاری شما ایجاد شد، دوست دارید ادامه داشته‌تان یا به همان کار ارجح‌تری دارید؟

امینی: من دوست دارم بازی کنم. اتفاقا یکی از آرزوهایم این است که کار ترازدی انجام دهم. در تئاتر این نقش را داشتم و از جشنواره فجر جایزه گرفتم. در طنز هم در جشنواره فجر جایزه گرفتم اما به خاطر حضور در برنامه کودک تلویزیون محکوم می‌شدم به این‌که دخترچه هستم و کار دیگر را نمی‌تواند انجام دهد.

این به خاطر بردی است که تلویزیون دارد.

امینی: بله ولی آقای مسعودی به من اعتماد کردند و این اتفاق برابرم افتاد.

پس پیشنهاد کار ترازدی نداشتید؟

امینی: در سینما و تلویزیون خیر، اما در تئاتر داشتم.

آقای صیوری شما در کلیپ‌های اینستاگرام‌تان کارگردانی را تجربه کردید، علاقه‌مند هستید وارد حوزه کارگردانی کم‌ی شوید؟

صیوری: بله به فکرش هستم.

خروجی‌اش را چه زمانی خواهیم دید؟

صیوری: هر وقت خدا بخواهد.

برنامه‌ریزی خودتان چگونه است؟

صیوری: باید زمانش پیش بیاید.

مسعودی: درست می‌گویید، من یک زمانی دوست داشتم قرارگاه مسکونی را خودم کارگردانی کنم اما این موقعیت را باید به آدم بدهند. فقط دست خودمان نیست. برای همین می‌گویم مدیران باید به جوان‌ها فرصت دهند. نویسنده موقع نوشتن دارد در ذهنش تصویر می‌سازد، پس اگر این موقعیت را به او بدهند تا کارگردان شود خیلی نتیجه بهتری خواهد داشت. علاوه‌بر این کارگردانی باهوش است که نویسنده فیلمنامه‌اش را کنار خود بنشانند و برای پلان به پلان کار با او مشورت کند.

آقای سیروس مقدم، سال‌ها سریال ساخت اما زمانی موفق شد که نویسنده‌اش را کنار خودش قرار دارد. هزینه کرد و خواست نویسنده‌اش در بازیگردانی هم کمک کند. سعید آقاخانی، سعید نعمت‌... و حالا محسن تنابنده را با خودش همراه کرد. باید این فرصت را به علی صیوری بدهند. به نظرم او باید یکی دو سال دیگر بازی کند تا فاضای تلویزیون آشنا شود، بعد متنی به او بدهند تا کارگردانی کند. چرا که نه؟! **شما متن می‌دهید تا ایشان کارگردانی کند؟**

مسعودی: اگر زنده باشم حتما. چون کم‌دی را خوب می‌فهمد.

قرار است فصل دوم آخر خط ساخته شود؟

مسعودی: ان‌شاء... من که خیلی دوست دارم.

یعنی پایان سریال را باز می‌گذارید؟

مسعودی: اگر ببندیم هم می‌شود به بهانه‌ای بارش کرد.